

برای ثبت در تاریخ

روایتی از مقاومت زنان مقابل حجاب اجباری



«امروز ما زنان نه فقط برای آزادی خودمان، بلکه برای آزادی همه مردم ایران در حال مبارزه‌ایم. بنابراین، بد نیست که این‌هایی که به زنان بی‌حجاب گیر می‌دهند، کمی جلوتر را هم ببینند. هر وقت ترسیدند از این‌که پلمب شوند، مثل ما به فردایی آزاد فکر کنند که قرار است خودشان و خانواده‌شان در امنیت، آن‌طور که می‌خواهند زندگی کنند.»

روایت‌های زنانی که از حجاب اجباری سرپیچی می‌کنند، همیشه سرشار از شجاعت بی‌نظیر نیست. اکنون ده‌ها زن و دختر ایرانی از ترس‌ها، رنج‌ها، مخاطرات و تحقیرهایی که بابت سرپیچی از حجاب اجباری متحمل شده‌اند، نوشته‌اند.



تاکنون ده‌ها زن و دختر ایرانی از ترس‌ها، رنج‌ها، مخاطرات و تحقیرهایی که بابت سرپیچی از حجاب اجباری متحمل شده‌اند، نوشته‌اند. فشار صاحبان کسب و کارها، تاکسی‌های اینترنتی و رستوران‌دارها از ترس پلمب نشدن یا «آجر نشدن» نانشان، تجربه‌ای است که زنان بسیاری از آن نوشته‌اند.



دختری ۱۷ ساله است با موهای چتری سیاه، می‌گوید که از دو-سه ماه پیش، حتی در راه مدرسه، آموزشگاه زبان و موسیقی، شال و مقنعه سر نکرده و از قصد پیاده می‌رود که همه او را ببینند و دخترهایی مثل خودش دل و جرات بگیرند. می‌گوید که دیدن مادرش و زنانی هم سن و سال مادرش که از سر کردن حجاب سر باز می‌زنند، به او قوت قلب می‌دهد. ولی، هنوز هم وقتی بدون حجاب پا توی خیابان می‌گذارد، ترس اینکه ممکن است زنده برنگردد، بازداشت شود یا از مدرسه اخراج شود، رهایش نمی‌کند. ولی، حاضر است هر بهایی را بدهد ولی این آزادی نیم‌بند و اینکه خودش باشد را از دست ندهد.

این روایت دختر جوانی در یکی از محله‌های مرکز تهران است. ولی، تاکنون ده‌ها زن و دختر ایرانی از ترس‌ها، رنج‌ها، مخاطرات و تحقیرهایی که بابت سرپیچی از حجاب اجباری متحمل شده‌اند، نوشته‌اند. این گزارش درباره مقاومت این زنان و دختران، در میان انبوهی از ترس‌ها، فشارها، رنج‌ها و خطراتی است که حکومت و جامعه تحت فشار از سوی سرکوبگران به آن‌ها تحمیل می‌کند.

می‌ترسم، اما ادامه می‌دهم!

روایت‌های زنانی که از حجاب اجباری سرپیچی می‌کنند، همیشه سرشار از شجاعت بی‌نظیر نیست. بسیاری از آن‌ها از ترس‌ها و فشاری که از سوی جامعه و خانواده خود متحمل می‌شوند، نوشته‌اند. کاربری به نام «صدف» در توئیتر، از فشارهایی که زنان حین مقاومت در مقابل حجاب اجباری تحمل می‌کنند، نوشته است: «اونی که فکر می‌کنه بی‌حجاب بیرون اومدن زن‌ها در ایران حرکت کوچیکیه، یا زن نیست، یا هیچوقت ایران نبوده!»

«شین»، نام مستعار زن جوانی است که چندین ماه است بدون حجاب اجباری در خیابان‌های تهران و شیراز تردد کرده است. او که پیش‌تر نیز درباره گذاشتن نایلون خرید، شلوارک یا تی‌شرت در کیفش به‌عنوان روشی برای مقابله با تحمیل حجاب از سوی حکومت و ماموران آن با «ایران‌وایر» گفت‌وگو کرده بود، درباره ترس‌هایش حین هر بار خروج از خانه، به ما می‌گوید: «یکی-دو باری که مامورهای لباس شخصی به من گیر داده‌اند، حمایت مردم هم باعث شده من را با خود نبرند و هم اینکه باعث دلگرمی‌ام شده تا کمتر بترسم.»

او ادامه می‌دهد: «من هم می‌ترسم، مخصوصاً اوایل خیلی می‌ترسیدم. هنوز هم هر وقت می‌خواهم پایم را از خانه بیرون بگذارم وسوسه می‌شوم که شال یا روسری توی کیفم بگذارم که اگر لازم شد، بکشم سرم. ولی، هر موقع که ترسیدم بابت این‌که روسری سر کنم یا نه، به کسانی فکر می‌کنم که چشم‌هایشان را از دست دادند و حبس کشیدند یا کشته شدند، شاید این روسری سر نکردن تنها کاری است که از دست من بر می‌آید، پس آن را وظیفه خودم می‌دانم.»

زن دیگری که در تهران به نافرمانی مدنی ادامه می‌دهد، می‌گوید: «چند بار با ماموران در مترو و خیابان درگیری لفظی داشته‌ام، ولی هر بار زن‌های دیگر و مردم، به‌خصوص پیرمردها پشتم در آمده‌اند. مردم نمی‌گذارند که ما را با خودشان ببرند. برای همین ترسم خیلی کمتر شده.»

او ادامه می‌دهد: «حس خشم و نفرتی در من است که به ترسم غلبه می‌کند. من امیدوارم و با خودم فکر می‌کنم مگر می‌خواهند دیگر چه کار کنند؟ ما دیگر چیزی برای از دست دادن نداریم. اما بالاخره ترس از اینکه بازداشت شوم، کتکم بزنند یا حتی رویم اسید یا ماست یا هرچه دستشان می‌رسد بریزند، همیشه هست، منتها جز اینکه مقاومت کنیم، چاره‌ای نداریم.»

او همچنین از داشتن ماسک و عینک دودی در کیفش به‌عنوان روش‌هایی برای پنهان ماندن هویتش در جاهایی که دوربین نصب است نیز می‌گوید: «ما هم روش‌های خودمان را داریم. من هم با خودم حساب‌و‌کتاب می‌کنم و این‌طور نیست که شجاع باشم. بنابراین همیشه ماسک با خودم دارم و جایی که می‌دانم دوربین هست، ماسک می‌زنم و این می‌تواند از من مراقبت کند.»

به گفته این زن جوان، «هرکدام از ما به هر حال یک امکانی داریم. اگر قرار است مردم چیزی بگویند، باید تحمل کنیم. مردمند دیگر قرار، نیست دستگیر شوی که. اگر محله‌تان مذهبی است، دو کوچه آن طرف‌تر حجاب سرت نکن. اگر پارک سر کوچه شما یک پایگاه بسیج دارد و ممکن است نشانت کنند، برو پارک آن یکی محله قدم بزن. ولی این حضور بی‌حجاب خودت و این نافرمانی مدنی را یک طوری نشان بده. این خیلی مهم است.»

کسب و کارهایی که از ترس نان، هم‌دست سرکوبگر می‌شوند

زن دیگری که با نام کاربری «رادیو زن» در توییتر می‌نویسد، از برخورد رانندگان تاکسی‌های اینترنتی و مطرح کردن خواسته «حفظ حجاب» توسط آن‌ها به دلیل ترس از برخورد حکومت، نوشته است: «راننده تپسی تا نشستم گفت شال رو سرت کن، گفتم خیر، کنسل می‌کنم. پیاده شدم. تو اوج ترافیک یک ساعت منتظر مونده بودم تا پیدا شه.» او ادامه داده است: «موقع پیاده شدن گفت آخه ماشین رو می‌خواهونن. می‌خواستم بگم چرا فک کردی با وجود دریای خون پشت سر، قتل مهسا و کیان و محرومیت خودم و هزاران زن از همه چیز، این وسط باید خوابیدن چند روز یا چند هفته ماشین تو به تخم باشه؟ ولی خب چیزی نگفتم و پیاده شدم.»

رادیو زن - فشار صاحبان کسب و کارها، تاکسی‌های اینترنتی و رستوران‌دارها از ترس پلمب نشدن یا «آجر نشدن» نانشان، تجربه‌ای است که زنان بسیاری از آن نوشته‌اند. مثل پیش از این، برخی از کاربران در کارزاری خواهان بایکوت شدن یک رستوران در محله شهرک «باغمیشه» تبریز شده بودند که بر سر در خود نوشته بود: «رعایت اسلامی حجاب الزامی است.» برخی دیگر از زنان نیز نوشته بودند که صاحب این رستوران، زانی که حجاب مطلوب حکومت را بر سر ندارند، به بهانه ترس از پلمب شدن، راه نمی‌دهد.

در هفته‌های گذشته، گزارش‌های متعددی از پلمب کسب‌وکارها از سوی اداره اماکن برای اینکه آن‌ها مانع ورود زنان بی‌حجاب شوند، منتشر شده است. پیش‌تر، کتابفروشی «روباہ قرمز» در حساب اینستاگرام خود از پلمب به دلیل عدم رعایت قانون حجاب خبر داده بود. حقوقدانان و فعالان مدنی با اشاره به غیرقانونی بودن این کار حکومت، این فشار مضاعف به کسب‌وکارها را ناشی از در محظوظ قرار گرفتن حکومت دانسته‌اند.

«محسن برهانی»، حقوقدان ایرانی، بارها در حساب توییتر خود به این موضوع پرداخته است. او روز جمعه، اول اردیبهشت در توییتر خود نوشته است: «بسیاری از پلمب‌های مرتبط با بی‌حجابی بدون دستور قضایی است. نیروی انتظامی با تمسک غلط به بند «د» و «ه» ماده ۲۸ قانون نظام صنفی اقدام می‌نماید. این‌گونه پلمب، غیرقانونی است و پلمب‌کننده و دستور دهنده به استناد م ۵۷۰ مجرمند. مردم بایستی با شکایت کیفری از پلمب‌های غیرقانونی جلوگیری نمایند.» او پیش‌تر نیز نوشته بود: «معلوم است در این مملکت ملوک‌الطوائفی چه کسی متولی پلمب و نابودی زندگی مردم با تفاسیر من‌درآوردی است؟ قوم‌قضاییه؟ پلیس اماکن؟ امام جمعه؟ وزارت کشور؟ اصناف خودشیرین؟ یا...؟ بیچاره ملتی که نمی‌داند زندگی و کسبش را کدامین نهاد به آتش می‌کشد!»

نان مردم را آجر می‌کنند؟!، پس ما زنان چه؟!

در مقابل روایت‌هایی که از تحمیل حجاب توسط کسب‌وکارها به خود نوشته‌اند، زنانی نیز از هزینه‌هایی که در سال‌های گذشته بابت رعایت حجاب به سبک و سیاقی که حکومت از آن‌ها خواسته، گفته‌اند. مثلاً، کاربری با نام «هان؟» نوشته است: «اون موجود اگر نمی‌خواد ذره‌ای در معرض هزینه احتمالی

قرار بگیره، یه بنر بزنه، روش بنویسه "بی‌حجاب وارد نشه." مدت زیادیه که وسطباز بودن و هم از توبره خوردن هم از آخور، نتیجه‌ای جز جر خوردن نداره. همیشه هم از بی‌حجاب درآمد کسب کرد هم و اسش گشت ارشاد شد.» فکرت اشتباهه.

یا کاربر دیگری با نام «آیدا با فامیلی سختش»، از هزینه‌هایی که بابت رعایت نکردن حجاب متحمل شده، نوشته است: «تابستون پارسال، زمانی که شدیداً و فوراً به شغل و پول نیاز داشتم، داشتم می‌رفتم مصاحبه شغلی که گیر گشت ارشاد افتادم. به اون مصاحبه نرسیدم. مصاحبه بعدیم رو هم مجبور شدم کنسل کنم. مدیر یکی از شرکتها بهم گفت به‌خاطر اینکه وقت خودش و سازمانش رو گرفتم، به اچ‌آر شرکت‌های دیگه هم می‌گه که استخدام نکنن. یادمه توی ون گشت فقط گریه می‌کردم از استرس بی‌کاری و بی‌پولی.» او ادامه داده است: «اون موقع ولی از جماعتی که نگران آجر شدن نون مردمن خبری نبود. سال‌ها گشت ارشاد زن‌ها رو از کار و زندگی انداخت و دیده نشد که یکی بیاد بگه نون این زنا رو آجر نکنین.»

با این وجود، زن جوانی که از تهران با «ایران‌وایر» در این‌باره گفت‌وگو کرده، درباره واکنش صاحبان کسب‌وکارها و لزوم همراهی آن‌ها با زنانی که نافرمانی مدنی می‌کنند، می‌گوید: «امروز ما زنان نه فقط برای آزادی خودمان، بلکه برای آزادی همه مردم ایران در حال مبارزه‌ایم. بنابراین، بد نیست که این‌هایی که به زنان بی‌حجاب گیر می‌دهند، کمی جلوتر را هم ببینند. هر وقت ترسیدند از این‌که پلمب شوند، مثل ما به فردایی آزاد فکر کنند که قرار است خودشان و خانواده‌شان در امنیت، آن‌طور که می‌خواهند زندگی کنند.»

ایران‌وایر - رقیه رضایی

۲ اردیبهشت ۱۴۰۲